

تشدید سانسور و سرکوب در ایران! بهرام رحمانی

حکومت اسلامی، در کنار سرکوب وحشیانه اعتراضات مردم آزاده و شکنجه زندانیان و اعدام آنها در سال گذشته، سانسور و کنترل اینترنت و خطوط تلفن، سانسور کتاب، تعطیلی مطبوعات و نشریات را نیز تشدید کرده است.

محمد حسینی، وزیر ارشاد دولت محمود احمدی‌نژاد، در گفتگو با خبرگزاری کار ایران، «ایپنا»، وقیحانه گفته است که «چند مورد توقیف مطبوعات که توسط هیات نظارت صورت گرفت طبیعی است».

هیات نظارت بر مطبوعات که ریاست آن با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و متشکل از هفت عضو است از زمان برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری، تعطیلی مطبوعات را شدت بخشیده است. گفته می‌شود که در دوره اول ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد «۱۸۰» نشریه به دست قوه مجریه و هیات نظارت بر مطبوعات توقیف یا لغو امتیاز شده‌اند».

بر اساس گزارش نهادهای بین‌المللی، ایران که تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه 1388، بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در خاورمیانه نام گرفته بود، پس از انتخابات و با دستگیری دهها روزنامه‌نگار در جریان سرکوب اعتراض‌ها، به بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران در جهان بدل شده است. بر اساس تازه‌ترین گزارش کمیته غیردولتی «حمایت از روزنامه‌نگاران» در نیویورک، در حال حاضر یک سوم روزنامه‌نگاران زندانی جهان در زندان‌های حکومت اسلامی به سر می‌برند. به گزارش خبرنگاری رویترز، مدیر اجرایی کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، گفته است که «دولت ایران نهایتاً در جنگ با آگاهی شکست خواهد خورد اما ما از این که همکارانمان هر روز چنین هزینه وحشتناکی را می‌پردازند افسرده‌ایم».

کمیته دفاع از روزنامه‌نگاران، در گزارش سالانه خود درباره آزادی مطبوعات گفته است که ایران «یکی از سرکوب‌های گسترده و وحشیانه علیه مطبوعات را تا جایی که به خاطر آورده می‌شود به خود دیده است».

در حالی که سرکوب و سانسور و بازداشت و دستگیری روزنامه‌نگاران ایرانی و تعطیلی نشریات در ایران همچنان ادامه دارد، روزنامه‌نگارانی که در بازداشت وزارت اطلاعات حکومت اسلامی هستند تحت فشار شدید قرار دارند تا در ملاءعام از آیت‌الله علی خامنه‌ای طلب بخشش کنند.

در همین زمینه غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور، در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد که «ایران ندامت یکی از شرایط» آزادی زندانیان سیاسی است.

این روزنامه‌نگاران نیستند که باید از حکومت اسلامی عذرخواهی کنند، بلکه حکومت اسلامی، باید با آزادی همه زندانیان سیاسی از آنها و خانواده‌هایشان و به طور کلی از جامعه ایران معذرت‌خواهی

بیانیه مشترک

کانون نویسندگان ایران در تبعید وانجمن قلم ایران در تبعید

اول ماه مه

پیکار کارگران در راه رهایی بشریت

گذشت بیش از یک قرن و دو دهه از خیزش کارگران آمریکا در سال ۱۸۸۶ و ثبت شدن زادروز این نماد مبارزه پیکارگرانه در راه رهایی از ستم اجتماعی به نام «اول ماه مه»، نشانه قاطعی بر آزادی‌خواهی و کوشش برای بیرون رفتن از بندهای اسارت نیروهای سازنده تاریخ بشری ست. اول ماه مه، در چشم جهان آزادی‌خواه، نقطه درخشان و رهنمودی ست که انسان را به رسیدن به آرمان دیرینه بشری برای ساختن دنیایی بدون درد و شکنجه و سانسور و زندان و اعدام و چپاول و بهره‌کشی امید می‌دهد و به حرکت وامی‌آورد.

رهائی، سخن گفتن در آرامش، بدون بیم از زندان و داغ و درفش، ساختن جهان بر مبنای نیاز انسان و رها شدن از هرگونه بند و زور، انگیزه اساسی کارگرانی بود که در اول ماه مه سال ۱۸۸۶، در پی درس‌های توده‌های رنج کشیده مردم برای آزادی به پا خاستند و تاریخ را ساختند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، طلوع سال‌گرد اول ماه مه را درود می‌گوید و به احترام جان‌های ارزشمندی که در راه رها شدن بشریت از شر زیاده‌خواهی و ستم اجتماعی خاموش شدند سر احترام فرود می‌آورد.

امید و مبارزه مردم جهان و امید مردم ایران که به ویژه اکنون زیر شدیدترین خفقان و سرکوب رژیم جنایت‌کار جمهوری اسلامی به پیکاری تازه رو آورده‌اند، هم‌جنس و از دست همان آرمان‌های پیکار کارگران اول ماه مه برای ساختن دنیایی بدون درد و شکنجه و سانسور و زندان و اعدام و چپاول و بهره‌کشی است.

گرامی باد پیکار در راه رهایی از هرگونه ستم اجتماعی و فردی. پیروز باد پیکار برای بنای دنیایی بدون سانسور و زندان و شکنجه و کشتار.

کانون نویسندگان ایران در تبعید
انجمن قلم ایران در تبعید
اول ماه مه ۱۳۸۹



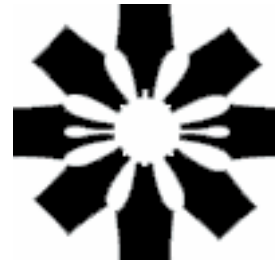
روایت علی اشرف درویشیان از فقر، زندگی کارگری و نوروز
صفحه ۴

ناصر پیمان: معرفی کتاب
صفحه ۵

نگاهی به سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد...
صفحه ۷

فریدون گیلانی: شاعر و نویسنده، عضو هیات دبیران انجمن قلم ایران
در تبعید
صفحه ۸

تشدید سانسور و سرکوب در ایران! بهرام رحمانی



بانگ آخر هر ماه منتشر می‌شود

سردبیر: بهرام رحمانی

آدرس ایمیل:

bahram-rahmani@ownit.nu

آدرس سایت کانون:

www.iwae.org

چند توضیح:

- بانگ، مطالبی را درج می‌کند که تنها برای این نشریه ارسال شده‌اند.
- مطالب بانگ، با «ورد فارسی» تایپ شوند و بیش‌تر از دو صفحه 4 نباشند.
- مسئولیت مطالبی که در بانگ درج می‌شوند با نویسندگان آن‌هاست.

منشور

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء.
- ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد یا گروه و یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند.
- ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فلسفی، فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن.
- ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی.
- ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود.
- ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...

روزنامه‌نگاری که در بازداشت وزارت اطلاعات حکومت اسلامی هستند تحت فشار شدید قرار دارند تا در ملاء عام از آیت‌الله علی خامنه‌ای طلب بخشش کنند. در همین زمینه غلامحسین محسنی اژه‌ای، دادستان کل کشور، در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد که «ابراز ندامت یکی از شرایط آزادی زندانیان سیاسی است. این روزنامه‌نگاران نیستند که باید از حکومت اسلامی عذرخواهی کنند، بلکه حکومت اسلامی، باید با آزادی همه زندانیان سیاسی از آن‌ها و خانواده‌هایشان و به طور کلی از جامعه ایران معذرت‌خواهی و طلب بخشش کند. در پی بالا گرفتن رقابت‌ها و کشمکش‌های درونی در جناح حاکم بر ایران، دامنه اعمال فشار بر رسانه‌هایی که تا پیش از این در شمار «رسانه‌های خودی» قرار داشتند، افزایش یافته است. از جمله تازمترین تهدید دولت، در تحت فشار قرار دادن «رسانه‌های خودی»، فیلتر کردن «سایت فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم» و ارجاع پرونده «سایت الف»، سایتی به مدیریت احمد توکلی رییس مرکز پژوهش‌های مجلس به «کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه» است. محمد حسینی وزیر ارشاد اسلامی، اخیراً از فیلتر کردن «سایت فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم» را تأیید و از این اقدام دفاع کرد و گفت که «این سایت در چند روز گذشته فیلتر شده است.»

وزیر ارشاد اسلامی، با اشاره به انتشار سخنان الیاس نادران درباره عضویت محمدرضا رحیمی معاون اول محمود احمدی‌نژاد در راس یک شبکه بزرگ فساد اقتصادی، به خبرگزاری ایسنا، گفت: «مطالبی در این سایت منتشر شده بود که با ادب و اخلاق سازگاری نداشت و بر این اساس، سایت اصولگرایان مجلس شورای اسلامی فیلتر شده است.» خبرگزاری رسمی حکومت، «ایرنا»، در چند روز اخیر و پس از انتشار مطالب و عکس‌های درباره عضویت معاون اول محمود احمدی‌نژاد در شبکه بزرگ فساد اقتصادی در «سایت الف» را به «افتراء، اتهام‌افکنی و تشویش اذهان عمومی علیه مقامات و نهادهای کشور» متهم کرد.

«سایت الف» پیش‌تر در مرداد سال 1387 و در جریان افشای اسنادی مبنی بر جعلی بودن مدرک دکترای علی کردان، وزیر وقت کشور به دستور سعید مرتضوی فیلتر شده بود اما پس از انتشار نامه سرگشاده توکلی به محمود هاشمی شاهرودی در دهم شهریور همان سال، به دستور رییس وقت قوه قضائیه از این سایت رفع فیلتر شده بود.

حسینی، همچنین از نهایی شدن «نظام جامع رسانه‌ای» خبر داد و گفت: «نظام جامع رسانه‌ای به زودی به مرحله نهایی می‌رسد و به دولت ارایه می‌شود.» او، اشاره‌ای به جزئیات «نظام جامع رسانه‌ای» مورد نظر وزارت ارشاد اسلامی نکرده است.

سایت‌های خبری ایران، با آوردن اول و آخر اسم معاون احمدی‌نژاد، از کشف یک جعل و اختلاس بزرگ میلیاردری خبر می‌دهند که ظاهراً بازرسی کل کشور روی آن انگشت گذاشته و پرونده آن در قوه قضائیه است. متهم اول این پرونده محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی‌نژاد است و پرونده‌ای که تشکیل شده، به «کرج گیت» معروف شده است. 216 نماینده مجلس هم نامه‌ای به رییس قوه قضائیه نوشته و خواهان رسیدگی شده‌اند.

این معاون اول، همان کسی است که در جریان کشف دکترای تقلبی «کردان»، وزیر کشور احمدی‌نژاد، پول بین نمایندگان مجلس پخش کرده بود تا جلوی استیضاح او را بگیرد.

البته رقم اختلاس رحیمی و دوستانش نسبت به دزدی‌ها و غارتگری‌های سران و مقامات عالی‌رتبه حکومتی، چندان هم درشت نیست و ارقام ناچیزی در حدود 23 میلیارد تومان، 36 میلیون دلار و 2 میلیون و 400 هزار یورو است.

علاوه بر این‌ها، برخی از رسانه‌های نزدیک به دولت که انتقاداتی را علیه دولت محمود احمدی‌نژاد منتشر کرده بودند به سایت‌های اینترنتی محدود نموده و 3 روزنامه «خراسان»، «همشهری» و «جمهوری اسلامی» نیز در روزهای اخیر از هیات نظارت بر مطبوعات «تذکر» گرفته‌اند.

معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی، اعلام کرده است که هیات نظارت بر مطبوعات در نخستین جلسه سال ۸۹ خود «به روزنامه همشهری به دلیل انتشار مطالب خلاف واقع و پخش شایعات در شماره مورخ ۲۷ اسفند ماه سال گذشته و روزنامه جمهوری اسلامی به علت انتشار مطالب خلاف واقع و پخش شایعات در شماره مورخ ۱۵ فروردین ماه جاری تذکر داده است.»

وزارت ارشاد اسلامی، هم‌چنین «روزنامه خراسان» را به «انتشار مطالبی که مشتمل بر تحریف آموزه‌های دینی است و شائبه عدم مراعات شان آیات الهی از آن برداشت می‌شود» متهم و اعلام کرد که هیات نظارت بر مطبوعات «جهت پیگرد قانونی»

تشدید سانسور و سرکوب در ایران! بهرام رحمانی

شهرهای مختلف کشور دستگیر و زندانی شده‌اند که کسی به آن‌ها اشاره نمی‌کند.

مسلم است که سانسور و به تبع آن رواج خودسانسوری، ضربه زیادی به روشنفکران و همچنین به جامعه می‌زند و باعث افول ذهن خالقان آثار می‌شود. به عبارت دیگر، خالقان آثار فرهنگی-هنری، انگیزه‌هایشان را از دست می‌دهند. چرا که نخستین و مهم‌ترین انگیزه روشنفکر، این است که آثارش به دست مخاطبان برسد. اما ابعاد سانسور حکومت اسلامی، فقط به سانسور کتاب و روزنامه و تهدید و زندانی کردن روزنامه‌نگاران و نویسندگان و بستن روزنامه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه امواج پارازیت ماهواره‌ای آسیب‌های زیادی به انسان‌ها می‌رساند.

تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهند که تأثیر این امواج بر روی کودکان بیش از دیگر افراد جامعه است. این امواج، بر روی مردان نیز تأثیرات نامطلوبی دارد و آن‌ها را عقیم می‌کند. از طرفی زنان باردار را دچار عوارضی سوء می‌کند که جبران‌ناپذیر است.

آسیب‌های ناشی از امواج پارازیت ماهواره از جمله عبارتند از: کاهش حافظه، افت تحصیلی، کاهش یادگیری و افت سطح آموزشی، افت قدرت باروری، عصبیت‌های اجتماعی، اختلافات خانوادگی، سرطان، سرگیجه، پیری زودرس، اختلالات هورمونی، سقوط هواپیماها و عوارض دیگری می‌شود.

همچنین این امواج، اثرات سوء برای بدن انسان و موجودات زنده دارد. وقتی این امواج با دامنه و شدت زیادی در هوا پخش می‌شوند، موجب ناراحتی گوش می‌شود و حتی ممکن است در اثر تداوم امواج ناشنوائی مزمن را به همراه داشته باشد. گفته می‌شود که در چند نقطه تهران، از جمله لویزان، شهرک اکباتان، شهرک غرب، جام جم، تهران پارس و مرکز شهر سیگنال‌هایی با قدرت بالا ارسال می‌شود.

حکومت اسلامی، در تازمترین اقدام خود در جهت سانسور، روز یکشنبه 5 اردیبهشت 1389، سرویس «بلاگر» به عنوان یکی از پر مخاطب‌ترین سرویس‌های وبلاگ نویسی جهان در ایران را فیلتر کرد.

فیلترینگ این سایت، در حالی صورت گرفت که بسیاری از ایرانیان در این سرویس اقدام به وبلاگ نویسی می‌کنند. دستگاه سانسور حکومت اسلامی، این بار به جای فیلتر کردن تکتک وبلاگ‌ها، کل سرویس‌دهنده وبلاگ را مسدود کرد.

فیلترینگ گسترده سایت‌های سیاسی، خبری و اجتماعی، فعالیت‌های گروهی به نام «ارتش سایبری ایران»، و همچنین نرم‌افزارهای ارتباطی مانند یاهو مسنجر و اسکایپ، کاهش سرعت اینترنت و یا قطع کامل آن از روش‌های مورد استفاده حکومت

معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اسلامی، اعلام کرده است که هیات نظارت بر مطبوعات در نخستین جلسه سال ۸۹ خود «به روزنامه همشهری به دلیل انتشار مطالب خلاف واقع و پخش شایعات در شماره مورخ ۲۷ اسفند ماه سال گذشته و روزنامه جمهوری اسلامی به علت انتشار مطالب خلاف واقع و پخش شایعات در شماره مورخ ۱۵ فروردین ماه جاری تذکر داده است.»

وزارت ارشاد اسلامی، همچنین «روزنامه خراسان» را به «انتشار مطالبی که مشتمل بر تحریف آموزه‌های دینی است و شائبه عدم مراعات شأن آیات الهی از آن برداشت می‌شود» متهم و اعلام کرد که هیات نظارت بر مطبوعات «جهت پیگرد قانونی» پرونده این روزنامه را به مراجع قضایی ارجاع خواهد کرد.

روزنامه همشهری اعلام کرده است که دلیل تذکر به این روزنامه، انتشار گزارشی با عنوان «یک سال توقیف و تذکر» علیه مطبوعات بوده اما «در نامه دبیر هیات نظارت به روزنامه همشهری اشاره نشده که کدام قسمت از مطلب مورد ادعا، خلاف واقع بوده است.» در گزارش «یک سال توقیف و تذکر»، روزنامه همشهری به بررسی عملکرد وزارت ارشاد اسلامی و هیات نظارت بر مطبوعات در سال ۸۸ پرداخته و از جمله نوشته است: «هیات نظارت در سالی که گذشت ۱۵ نشریه را توقیف و به بیش از ده‌ها نشریه تذکر علنی داد که سهم روزنامه‌های توقیف شده از این میان به ۱۰ روزنامه رسید، هر چند که تلاش‌هایی برای رفع توقیف آغاز شد اما جز در یکی دو مورد همه تلاش‌ها به شکست انجامید.»

روزنامه همشهری، در گزارش خود با انتقاد از سیاست دولت علیه مطبوعات و رسانه‌های منتقد، تأکید کرده بود که در سال ۸۸ دولت سیاستی را در پیش گرفت «که به برخی از رسانه‌های حامی دولت چنان مصونیتی داده که فرائز از قانون علیه دیگران مطلب نوشته و یا اتهام‌زنی کنند اما رسانه‌ها و مطبوعات اصلاح‌طلب به راحتی توقیف و لغو امتیاز شوند.»

در سال 1388، ده‌ها روزنامه و هفته‌نامه توقیف شدند و بیش از ۱۰۰ روزنامه-نگار و خبرنگار فعال در رسانه‌های نزدیک به جناح اصلاح‌طلبان حکومتی بازداشت شدند که شماری از آن‌ها هنوز در زندان به سر می‌برند.

علاوه بر این‌ها، تعداد بی‌شماری از روزنامه‌نگاران مستقل و وبلاگ‌نویس در

اسلامی برای کنترل نیروهای اپوزیسیون است.

سؤال مهم‌تر در این‌جاست که اصلاً چرا باید حکومت سانسور آثار نویسندگان و هنرمندان را سانسور کند و یا حتی بخواهد آن‌ها را قبل از انتشار مورد بررسی قرار دهد؟ در واقع در بحث سانسور و آزادی بیان و مباحث اجتماعی و فلسفی پیرامون آن، سؤال مهم‌تر آن است که چرا باید سانسوری در کار باشد؟!

در واقع برخورداری از آزادی بیان، نه تنها حق روشنفکران و هنرمندان، بلکه حق طبیعی همه فعالین سیاسی و اجتماعی و عموم شهروندان است.

جان استوارت میل یکی از اولین فیلسوفانی است که به طور نظری درباره آزادی بیان بحث کرده است. از نظر او، هر عقیده‌ای باید اجازه مطرح شدن داشته باشد، حتی اگر از دیدگاه دیگران غیراخلاقی به نظر برسد. او، می‌افزاید که حتی بر روی فردی که آن عقیده را بیان کرده نیز نباید قیدی گذاشته شود، یعنی هر فردی باید اجازه بیان عقیده‌اش را داشته باشد.

سئوالی که همواره در مورد سانسور وجود دارد آن است که سانسور اصل آزادی بیان را زیر سؤال می‌برد. سانسور، مانع آزادی بیان و اندیشه و قلم و فعالیت متشکل است.

بیانیه کانون نویسندگان ایران اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرامی باد!

اول ماه مه، روز جهانی کارگر است. در سال 1886 در چنین روزی 100 هزار کارگر در شیکاگو، آمریکا، با درخواست 8 ساعت کار روزانه به خیابان‌ها آمدند. اما پلیس تظاهرات و راهپیمایی کارگران را وحشیانه سرکوب کرد و چهار تن از رهبران طبقه کارگر را به جوخه‌ی اعدام سپرد. از آن پس در بیش‌تر کشورهای جهان، زنان و مردان کارگر و تشکل‌های آزاد کارگری هر سال در اول ماه مه، آزادانه و فارغیال، به خیابان‌ها می‌آیند و با جشن و پای‌کوبی خاطره این روز را گرامی می‌دارند. در این روز کارگران بار دیگر بر حق خود برای برپاداشتن جهانی فارغ از ستم سرمایه، استثمار، نابرابری، تبعیض جنسیتی، بیکاری و ترس از بیکاری، اعدام و شکنجه، جنگ و آزادی‌کشی و سانسور، و در یک کلام، ساختن جهانی شایسته انسان آزاد پا می‌فشارند.

در ایران، اگرچه روز جهانی کارگر را، هم در اواخر رژیم گذشته و هم پس از انقلاب در حاکمیت کنونی، ظاهراً به رسمیت شناخته‌اند، در واقعیت امر، همواره از تشکیل هر گونه تشکل آزاد و مستقل کارگری با سرکوب و بند و زندان جلوگیری شده، و اول ماه مه -روز کارگر- یا روز تعقیب و گریز و ضرب‌و‌شتم کارگران بوده است یا روز نمایش‌های فرمایشی دولتی.

کانون نویسندگان ایران، که تشکلی آزاد و مستقل است، ضمن شادباش این روز فرخنده به کارگران و همه مردم زحمتکش، به حکم منشور خود که خواهان آزادی بیان و قلم و اندیشه در همه عرصه‌ها برای همگان است، بر پا داشتن تشکل‌های آزاد و مستقل کارگری و برگزاری آزادانه جشن بزرگ اول ماه مه را حق بی‌چون‌وچرای کارگران ایران می‌داند، و خواهان آزادی همه کارگرانی است که به خاطر پی‌گیری این حق مسلم خود در بند شده‌اند.

کانون نویسندگان ایران
9 اردیبهشت 89

روایت علی اشرف درویشیان از فقر، زندگی کارگری و نوروز: بیش‌تر زندگی‌ام را با مردم فرودست گذرانده‌ام



علی اشرف درویشیان بیش‌تر می‌گوید: زندگی‌ام را با مردم فرودست گذرانده‌ام. عیدها؛ مسافرت نمی‌رفتیم چون سفر؛ پول و ماشین نیاز داشت که ما نداشتیم و من در خانواده‌ای بودم که همه کارگر بودند.

ایلنا: جوانی درویشیان متعلق به نسل نویسندگان متعهدی است که همواره آمالشان را در جامعه جستجو می‌کنند. او می‌گوید: از طلوع آفتاب بدم می‌آید مگر این که مطمئن باشم که برآمدن آفتاب آغاز کاری جان‌فرسا برایم نیست. به ویژه در کودکی طلوع آفتاب برایم آغاز رنج و عذاب کار بود. اما تا دلت بخواد زمستان و هوای ابری را دوست دارم. دلم می‌خواهد صبح که از خواب بیدار می‌شوم سه متر برف باریده باشد. چنان‌که نتوان در خانه را باز کرد. اما حتماً با این نویسنده‌ای با این نگاه خاص هم می‌توان از نوروز سخن گفت.

*** معمولاً ما در داستان‌های شما با تصویر عمومی فقر و زندگی آدم‌های فرودست جامعه مواجهیم. آیا هیچ وقت قصد کرده‌اید که از لحظات شاد زندگی هم بنویسید؟**

- من در داستان‌هایم شادی هم دارم. کمابین که در برخی از داستان‌های «از این ولایت» و «آبشوران» به خصوص مراسم نوروز و حمام رفتن با پدرم مورد توجه قرار گرفته که این داستان‌ها بیش‌تر

به ژانر کمدی نزدیک هستند. اما در هر حال زندگی من بیش‌تر با مردم فرودست گذشته است. وقتی که در گیلان غرب، معلم بودم شاگردانم از همین قشر بودند. من شاگردی به نام «نیازعلی ندارد» داشتم که داستان «ندارد» را اصلاً به خاطر او نوشتم. بعدها در زندان کرمانشاه هم باز در بین همین مردم فقیر و بیچاره بودم. پدرم، عموهایم و تمام افراد دور و ور من کارگر بودند.

*** شما با همکاری رضا خندان به جمع‌آوری افسانه‌های مناطق مختلف ایران پرداخته‌اید. نوروز در این افسانه‌ها چه جایگاهی دارد؟**

- نوروز در افسانه‌های ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و به خصوص سفره هفت سین. فارغ از این آدابی نظیر سبزه انداختن که از بیست روز قبل از عید، خانواده‌ها عدس و گندم را خیس می‌کردند تا برای عید سبز شود و مراسم چهارشنبه سوری یا پنج‌شنبه آخر سال که به دیدار با اموات اختصاص دارد و... رگه‌هایی از این‌ها هم در داستان‌ها و افسانه‌های ما وجود دارد. اما به خصوص در مورد نوروز، زنده‌یاد «صبحی» کتابی به نام عمونوروز دارد که افسانه‌های ایرانی در همین رابطه را در آن گنجانده است. اصلاً به همین خاطر هم ما جلب افسانه‌ها شدیم و با همکاری رضا خندان تاکنون نوزده جلد آن منتشر شده است. در مناطق سنجند و کردستان هم، داستان میرنوروزی رایج است و در اشعار شاعران کهن ما، از جمله حافظ هم به آن اشاره شده است.

*** تعطیلات نوروز را بیش‌تر چگونه می‌گذرانید؟ سفر یا این که...**

- عید برای ما که بچه بودیم با خودش چیزهای جدیدی به ارمغان می‌آورد و همه آن‌ها برای ما خاطره بود. ما مسافرت نمی‌رفتیم. سفر نیاز به پول و ماشین و... داشت که ما هیچ یک از این‌ها را نداشتیم. اما سال که تحویل می‌شد، مادر بزرگ و پدر بزرگم، اسکناس‌های نویی را لای قرآن می‌گذاشتند و هر کدام از ما، یکی از آن‌ها را به عنوان عیدی برمی‌داشتیم. عموهای من همه کارگر بودند، به جز یکی از آن‌ها که کبابی داشت و توی چنته‌اش، همیشه پر از پول نقره بود که به ما هم عیدی می‌داد. این برای ما جالب بود که پول نقره را در بازار، دوبرابر از ما می‌خرند. یکی دیگر از عموهایم هم وسایل آتش بازی چهارشنبه سوری را درست می‌کرد؛ ترقه و فشفسه و... همیشه یک گونی هم به ما می‌داد که حسابی خوش می‌گذرانیم تا نوروز و سبزه به در؛ که سبزه‌ها را گره می‌زدیم و به صحرا می‌رفتیم و قضا بلای خانواده را با

سبزه‌ها دور می‌انداختیم.

*** در سال 89 کتاب جدیدی از شما منتشر نمی‌شود؟**

- یک کتاب تجدید چاپی دارم که نزدیک به یک سال و نیم است در ارشاد مانده است؛ مجموعه مقالات و سخنرانی‌های من با عنوان «چون و چرا» و یک شناختنامه هشتصد صفحه‌ای از من که انتشارات مروارید، قصد انتشار آن را دارد؛ منتها مجوز نمی‌دهند. مجموعه داستانی هم دارم که شامل هجده داستان می‌شود با عنوان «تازه داغ»، که هشت سال است در ارشاد مانده است. می‌گویند باید نصف داستان‌ها را برداری. من هم گفته‌ام که یک خطش را هم برنمی‌دارم. این کتاب را هم قرار است انتشارات چشمه منتشر کند. در حال حاضر هم در حال نوشتن یک رمان هستم. اما امیدی به چاپ کارهایم ندارم و ناامیدانه می‌نویسم.

*** آیا آثار نویسندگان جوان را هم دنبال می‌کنید؟**

- بله

*** کارهای جوان‌ها را چطور می‌بینید؟**

- ادبیات داستانی و حتا شعر ما با مشکل سانسور مواجه است و به همین دلیل است که پیشرفت نمی‌کنند. انگار نمی‌خواهند جوانان ما سرگرمی سالم داشته باشند. البته من با جوان‌ترها ارتباط دارم. گاهی به من سر می‌زنند و تا آن‌جا که بشود راهنمایی‌شان می‌کنم. اما هنوز این آرزو در دلم مانده که در جلسه‌ای با همشهریانم در کرمانشاه صحبت کنم. من پنجاه سال است که برای آن‌ها و از آن‌ها می‌نویسم. دوست دارم بدانم که آن‌ها چه نگاهی به کارهای من دارند و نقدهایشان را بشنوم. اما مشکل شده است. در میان نویسندگان جوان هم نویسنده‌های خوبی داریم که اگر به آن‌ها توجه بشود، می‌توانند با بزرگان ادبیات جهان رقابت کنند.

زمان انتشار: جمعه 6 فروردین 1389

علی اشرف درویشیان از زبان خودش

در سال 1335 که به دانشسرای مقدماتی کرمانشاه رفتم روز به روز علاقه‌ام به مطالعه بیش‌تر می‌شد. کتاب برایم از نان واجب‌تر شده بود. پدرم که می‌دید من هرچه درآمد دارم به کتاب می‌دهم از دستم عصبانی بود... هم‌زمان در دانشسرای عالی تهران در رشته مشاوره و



تمامی شب، پشت یک پنجره

عنوان کتاب جدیدی است از ترجمه بیست شعر «فروغ فرخزاد» به زبان ایتالیایی، به اهتمام «ناصر پیمان»، عضو کانون نویسندگان در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید و همچنین عضو انجمن قلم سونیسی-ایتالیایی که در شهر لوگانو سونیس، از سوی انتشارات «اولیوه» اخیراً منتشر شده است.

این کتاب، حاوی نقدی از آثار و همچنین بررسی روابط فروغ با روشنفکران اروپایی، به ویژه هنرمندان و روشنفکران ایتالیایی می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم شعر برای فروغ همانند پنجره‌ای بود که هر وقت به طرفش می‌رفت درب آن فوراً به رویش باز می‌شد و او در کنارش می‌نشست و از آنجا همه جا را مشاهده می‌کرد؛ در پشت آن فریاد می‌کشید، گریه سر می‌داد، شعر می‌نوشت و معتقد بود که در آن طرف پنجره، بالاخره کسی هست که صدایش را بشنود. به همین امر مترجم «تمامی شب، پشت یک پنجره» را عنوان کتاب کرده است.

انگیزه تدوین این کتاب، از یک کار پژوهشی در حوزه ادبیات تطبیقی، برای کنفرانسی به مناسبت روز جهانی زن در نهم ماه مارس ۲۰۰۹ به وجود آمد. در آن جلسه، ناصر پیمان مترجم کتاب به همراه فرانکا کلایس، مسئول آرشینو آثار و اسناد «الفونسینا استورنی» (۱۹۳۸-۱۸۹۲) شاعره معروف سونیسی-آرژانتینی در لوگانو، به بررسی ویژگی‌های اشعار این دو شاعر مبارز پرداختند. و با نقد قطعه شعر «عصیان» که گویا فروغ آن را از «الفونسینا استورنی» الهام گرفته است به تجربیات و موقعیت آن‌ها نسبت به شرایط اجتماعی زنان آن زمان اشاره کردند.

کتاب «تمامی شب، پشت یک پنجره»، در روز سه‌شنبه چهارم ماه می ۲۰۱۰، در سالن مرکزی کنگره شهر لوگانو معرفی خواهد شد.

عصیان

به لب‌هایم مزن قفل خموشی
که در دل قصه‌ای ناگفته دارم
ز پایم باز کن بند گران را
کزین سودا، دلی آشفته دارم

بیا ای مرد، ای موجود خودخواه
بیا بگشا درهای قفس را
اگر عمری به زندانم کشیدی
رها کن دیگرم، این یک نفس را

منم آن مرغ، آن مرغی که دیربست
به سر اندیشه پرواز دارم
سرودم ناله شد در سینه تنگ
به حسرت‌ها سرآمد روزگارم

به لب‌هایم مزن قفل خموشی
که من باید بگویم راز خود را
به گوش مردم عالم رسانم
طنین آتشین او از خود را

بیا بگشا در تا پر گشایم
به سوی آسمان روشن شعر
اگر بگذرایم پرواز کردن
گلی خواهم شدن در گلشن شعر

لبم با بوسه شیرینش از تو
تنم با بوی عطر آگینش از تو
نگاهم با شررهای نهانش
دل‌م با ناله خونینش از تو

ولی ای مرد، ای موجود خودخواه
مگو تنگ است این شعر تو تنگ است
بر آن شوریده حالان هیچ دانی
فضای این قفس تنگ است، تنگ است



Forugh Farrokhzad
Tutta la notte
Davanti a una finestra
Traduzione dal persiano di Nasser
Pejman
A cura di Siro Ortelli
Edizioni Ulivo 2010

اطلاعیه مشترک

کانون نویسندگان ایران در تبعید و
انجمن قلم ایران در تبعید
جمهوری اسلامی و داسرای
ویژه ایرانیان خارج از کشور

جمهوری اسلامی که به خاطر تبه‌کاری دیرینه بیش از سه دهه خود و ایجاد خفقان، سرکوب و جنایت‌های بی‌شمار، با خیزش بزرگ مبارزاتی توده‌های میلیونی مردم ایران روبرو ست؛ در پی آن بر آمده است که برای جلوگیری از همبستگی ایرانیان خارج از کشور با این مبارزات، داسرای ویژه تشکیل دهد و صدای افشاگرانه آنان را خاموش کند.

مرتضی بختیاری وزیر دادگستری جمهوری اسلامی، روز شنبه گذشته اعلام کرده است که: برای تشکیل این داسرای ویژه هماهنگی‌های لازم به عمل آمده است و مشکل خاصی وجود ندارد.

اخیراً نیز رژیم جمهوری اسلامی کوشید که با همکاری پلیس بین‌المللی برخی از فعالین سیاسی ایرانی را به عنوان متهم دادگاه‌های جمهوری اسلامی در تنگنا قرار دهد.

اما اگر تحت تعقیب قرار دادن فعالین سیاسی توسط پلیس بین‌الملل به بهانه داشتن شاکای خصوصی در ایران مطرح شده است؛ این بار رژیم می‌کوشد که فعالین سیاسی خارج از کشور را مستقیماً به خاطر مبارزات سیاسی و افشاگری‌هایشان در افکار عمومی مردم جهان مورد تعقیب قرار دهد.

افزون بر این، وزیر دادگستری جمهوری اسلامی، در مورد امکان بازگشت پناهندگان سیاسی به ایران گفته است: «با توجه به حضور دستگاه‌های امنیتی در شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، این دستگاه‌ها در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند.»

در پیش گرفتن سیاست محکومیت بازداشت شدگان ماه‌های اخیر در ایران به زندان و مرگ، تهدید فعالین سیاسی خارج از کشور به محاکمه در داسرای ویژه و ایجاد ترس و بیم در میان ایرانیان مقیم خارج که به کشور باز می‌گردند؛ نشانه اوج درمادگی جمهوری اسلامی ست.

این امر همچنین نشان می‌دهد که مبارزات فعالان سیاسی ایرانی در خارج از کشور تا چه حد در روحیه مردم مبارز ایران تاثیر می‌گذارد و تا چه اندازه رژیم را در برابر افشاگری‌های جهانی آن‌ها زیر فشار قرار می‌دهد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، بنا بر پیشنهاد مبارزاتی خود در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، هرگونه تلاش رژیم جمهوری اسلامی را برای تداوم سیاست خفقان در ایران و دراز کردن دست سرکوب به زندگی ایرانیان خارج از کشور را محکوم می‌کند و همچنان به دفاع از مبارزاتی بر می‌خیزد که نشانه آزادی اندیشه و بیان را بر پیشانی خود دارند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

ششم آوریل ۲۰۱۰

علی اشرف درویشیان از زبان خودش

در دانشسرای عالی تهران در رشته مشاوره و راهنمایی و در دانشگاه تهران در رشته روان شناسی تربیتی درس می‌خواندم و در هر دو رشته تا فوق لیسانس ادامه دادم.

در تابستان 1350 در کرمانشاه به خاطر فعالیت‌های سیاسی و نوشتن مجموعه داستان «از این ولایت» دستگیر شدم. پس از هشت ماه آزاد شدم و دو ماه بعد دوباره در تهران دستگیر شدم و به هفت ماه زندان محکوم شدم. از شغل معلمی منصرف و از دانشگاه اخراج شدم. بار سوم در اردیبهشت 1353 دستگیر و به یازده سال زندان محکوم شدم در حالی که سه ماه بود ازدواج کرده بودم.

در آبان ماه 1357 با انقلاب مردم ایران از زندان بیرون آمدم. پسرم بهرنگ نوزده سال و دانش‌جوی شیمی است. دخترانم گلرنگ و گلبرگ دانش‌آموز دبیرستان هستند. همسرم شهناز هم دبیر زبان است و با هم بار سخت زندگی را به دوش می‌کشیم.

نوشته‌هایی که تاکنون به چاپ رسانده‌ام عبارتند از:
از این ولایت (داستان‌های کوتاه)

آبشوران (داستان‌های کوتاه)
فصل نان (داستان‌های کوتاه)
همراه آهنگ‌های بابام (داستان‌های کوتاه)
دُرشتی (داستان‌های کوتاه)
سال‌های ابری (رمان در چهار جلد)

و...
افسانه‌های و متل‌های کردی
فرهنگ گویش کرمانشاهی
فرهنگ افسانه‌های مردم

ایران (15 جلد) با همکاری رضا خندان مهابادی
صمد جاودانه شد
خاطرات صفرخان
یادمان صمد بهرنگی

و....



نگاهی به سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد و وضعیت اسفبار سینما در ایران

بدین ترتیب، برای حکومت اسلامی ایران، تبلیغ و ترویج ایدئولوژی اسلامی، نشان دادن قدرت بسیج و سپاه با تولیدات سینمای جنگی، فراتر و مهم‌تر از امر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. حکومت اسلامی، با فرهنگ‌کشی، سی و یک سال است که سعی دارد فرهنگ ارتجاعی خود را بر جامعه ایران غالب کند اما هنوز پس از سه دهه بگير و ببند در این راه موفق نشده است.

حکومت اسلامی، بسیاری از سینماگران سرشناس و محبوب جامعه ایران را خانه‌نشین کرده است در حالی که با سرمایه‌گذاری‌های کلان و امکاناتی که در اختیار سینماگران به اصطلاح اسلامی قرار داده است، سینمای کشور را به ابتذال کشیده است.

شکی نیست که سینما، بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع بشری تاثیر می‌گذارد و نقش مهمی در افکارسازی ایفا می‌کند. جشنواره‌های سینمایی اروپایی چون کن، ونیز، برلین و همچنین فستیوال اسکار در آمریکا، تاثیر سینما بر افکار عمومی جوامع بشری را به خوبی نمایان می‌کنند.

متأسفانه در تمام جهان، به ویژه در حاکمیت‌های دیکتاتوری چون ایران، سینما در خدمت ایدئولوژیک لیبرالیسم اقتصادی و با هدف سیاسی معینی به کار گرفته می‌شود و این وجه آن بر تمامی مناسبات موجود در جامعه مقدم شمرده می‌شود.

اما حکومت اسلامی، سینمای ایران را نیز همچون دیگر عرصه‌های فرهنگی، از هرگونه ارزش اجتماعی و سیاسی و فرهنگی تهی کرده است. در حالی که جامعه ما، کارگردانان و هنرپیشه‌های قدرتمند و توانا و شایسته‌ای دارد. اما آن‌ها، حاضر نیستند زیر باز حاکمیت ارتجاعی و تبه‌کار و غارتگر بروند. البته برخی هم هستند که بدون توجه به سیاست‌ها و اهداف غیرانسانی حکومت، صرفاً منافع خود را در نظر می‌گیرند و به هرگونه تحقیر و توهین کردن می‌گذارند.

سینما در حاکمیت جمهوری اسلامی، کاملاً در خدمت فرهنگ و سنن ارتجاعی اسلامی، قرار دارد و هر حرکتی در جامعه نه با ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی خود، بلکه با معیارهای ایدئولوژیک حاکمیت و ساختارهای آن تعریف می‌شود. حکومت در این کشور، خود را مافوق جامعه می‌داند و حتا نفس کشیدن را نیز برای انسان‌ها سنگین‌تر می‌کند. بر این اساس، مانع شکوفایی ابتکارات و خلاقیت‌ها می‌شود. در کشور ما، نوگرایی و اندیشه‌ورزی، شدیداً سرکوب می‌گردد. اقتصاد نیز به خصوص در عرصه سینما، نقش مهمی ایفا می‌کند و سرمایه‌گذاری در آن، با وجود قوانین و سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی و ارگان‌های سانسور آن، ریسک بزرگی دارد.

در این شرایط، فیلم‌هایی با صرف هزینه‌های کلان، مطابق ایدئولوژی اسلامی و در مدح حکومت اسلامی و با سفارش و حمایت مالی و تبلیغاتی ارگان‌های حکومتی ساخته می‌شوند. نمونه بارز در خصوص پیگیری سیاست‌های وزارت ارشاد و فشارهای مختلفی که بر سینماگران مستقل می‌شود در حالی که چماقدارانی چون «مسعود دهنمکی»، همه کاره عرصه سینما می‌شوند. فیلم اخراجی‌های 1 و 2 مسعود دهنمکی، با حمایت دولت و با سرمایه‌گذاری‌های کلان ساخته شده است. سابقه سیاسی و شغل اصلی دهنمکی، تهدید و ترور، سازمان‌دهی چماقداران و قمه‌کشان و لباس شخصی‌ها برای حمله به مخالفین و منتقدین حکومت و تجمعات آن‌هاست! حمله به دانشگاه تهران در واقعه 18 تیر، فقط یکی از حرکت‌های تروریستی ده نمکی است.

بر اساس تازه‌ترین گزارش «فریدم هوس»، از وضعیت آزادی مطبوعات در جهان، ایران با رتبه ۱۸۷ چون سال‌های گذشته در ردیف کشورهای «غیرآزاد» قرار گرفته است. در این گزارش، تنها کشورهایی چون ازبکستان، ترکمنستان، کره شمالی و برمه وضعیتی بدتر از ایران دارند. فریدم هوس سال گذشته، رتبه ایران در آزادی مطبوعات را برای سال ۲۰۰۸ در کنار چین و رواتدا ۱۸۱ ثبت کرده بود. به این ترتیب، ایران در سال ۲۰۰۹ دست‌کم شش رتبه سقوط کرده است. ایران، در سال ۲۰۰۹ نیز همچون سال پیش از آن، در زمره بدترین ده کشور دنیا از نظر آزادی مطبوعات قرار گرفته است. ۹ کشور دیگر عبارتند از بلاروس، برمه، کوبا، گینه استوایی، اریتره، لیبی، کره شمالی، ترکمنستان و ازبکستان.

بنا به گزارش فریدم هوس، در این ده کشور که آزادی مطبوعات بدترین وضعیت را دارد «بیا رسانه مستقل وجود ندارد یا قادر به کار نیستند، مطبوعات بلندگوی رژیم‌اند و دسترسی شهروندان به اطلاعات بسیار محدود است.»

در گزارش فریدم هوس، اشاره شده است که آزادی مطبوعات در جهان در سال ۲۰۰۹ برای هشتمین سال متوالی افت داشته است. بیش‌ترین افت در این زمینه در سه منطقه صحرای آفریقا، آمریکای لاتین و خاورمیانه اتفاق افتاده است.



نگاهی به سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد و وضعیت اسفبار سینما در ایران

متن کامل سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت ارشاد حکومت اسلامی، در تاریخ 30 فروردین 1389، در برخی از رسانه‌های حکومتی، منتشر شده است. این سیاست از سینماگران می‌خواهد که بیش از پیش در خدمت دولت و سیاست‌های ارتجاعی و غیرانسانی آن باشند. با اجرای این سیاست، باز هم دست بسیاری از فیلمسازان، کارگردانان، سناریو نویسان و هنرپیشه‌های مترقی و آزادی‌خواه بسته می‌شود و راه برای کسانی چون ده نمکی‌ها بازتر و هموارتر می‌گردد.

مسلم است که با این سیاست، 325 سالن سینمای کشور، یا خالی خواهد ماند و یا فیلم‌هایی که بیشترین تماشاگران آن‌ها، نیروهای بسیج و سپاه و جنگ‌طلبان و شکنجه‌گران خواهد بود.

احمدی‌نژاد، رییس جمهوری اسلامی، که مورد نفرت اکثریت مردم ایران است با حمایت همه جانبه رهبر و نیروهای سرکوبگر قصد دارد با اعمال سانسور و کنترل شدیدتر از گذشته بر سینما چون عرصه‌های دیگر فرهنگی و اجتماعی، سینماگران پیشرو و آزادی‌خواه را هر چه بیشتر منزوی سازد و راه را تنها برای سینمای دل‌خواه خود، یعنی سینمای جنگ و خونریزی، تبلیغ و ترویج خرافات اسلامی و همچنین در راستای سیاست‌های دولت هموارتر سازد.

اگر از به کارگیری برخی واژه‌ها که در لابلای این سیاست به کار برده می‌شوند چون «احترام به انسان» و «آزادی»، «عرصه‌های نو»، «زیبایی شناسی»، «عاطفی» و غیره، رنگ و لعابی هستند و با این هدف به کار گرفته می‌شوند که کمی از زهر این سیاست را بگیرند. به عبارت دیگر، به محض این که زورورق این کالا را باز می‌کنید بوی تعفن آن هوا را آلوده می‌سازد.

بنا به گزارش خبرگزاری فارس، سیاست‌های معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش‌های مبانی، رویکردها، شیوه‌های اجرایی، حمایت‌ها، زیرساخت‌ها و بایسته‌ها منتشر شد.

این سیاست‌گذاری در نشست «جواد شمعدری» با سینماگران، برای کارگردانان و دست‌اندرکاران سینما تشریح شد. بخش‌هایی از این سیاست‌های معاونت وزارت ارشاد در رابطه با سینما، به شرح زیر است:

* سرآغاز

رویکرد معاونت امور سینمایی تعامل و گفتوی شفاف، صریح و روشن با جامعه هنرمندان و سینماگران کشور و پرهیز از ابهام، پیچیدگی و چنگاکی در میان سیاست‌های مدیریتی و اجرایی است. در آغاز سال 1389 و در ایام شهادت سید شهیدان اهل قلم و هنر، سید مرتضی آوینی، در کنار برگزاری جلسه‌ای عمومی با سینماگران و دست‌اندرکاران فیلم و فیلم‌سازی کشور، کلیات سیاست‌های سینمایی و رویکردهای اجرایی و مدیریتی، با هدف گشودن راه‌ها و پنجره‌های تازه به عرصه‌های نو و تا حدی فراموش شده، تقویم جامعه هنری و سینمایی می‌شود. ... تلاش شده است سیاست‌ها و رویکردهایی که در صفحات بعد ملاحظه می‌کنید، منبعت از سیاست‌های ابلاغی رهبر فرزانه انقلاب در سند برنامه پنج ساله آتی و چشم‌انداز بیست ساله باشد.

مدیریت سینمای ایران با استقبال از تاسیس و تشکیل «شورای عالی سینمای ایران» به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و به مثابه مهم‌ترین اتفاق در تاریخ سینمای ایران از تدابیر و مصوبات آتی این شورا در راستای اقدامات و تحولات بنیادین بهره لازم را خواهد برد.

1. مبانی

ما معتقدیم تفکر دینی تنها در حوزه اندیشه و رفتارهای شخصی و عبادی خلاصه نمی‌شود بلکه در همه ساحت‌هایی که به زندگی بشر و حتا فراتر از آن یعنی حیات پس از مرگ تعلق می‌گیرد، نقش، تاثیر و راه‌کاره و برنامه دارد. بديهی‌ست هنر و به خصوص سینما که درجه همه زایش‌های اندیشه‌ای، عاطفی، باورها، زیبایی‌شناسی و رفتارهای احساس‌گرایانه بشری است، بیش از هر ساحتی می‌تواند از انوار تجلی بخش دین حقیقی و حنیف یعنی اسلام عزیز بهره‌مند باشد. بر این اساس حاکم بودن بینش توحیدی بر تمام شئون و عرصه حیات فردی و اجتماعی و نقش و تاثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دین مبین اسلام، کرامت ذاتی و شرافت انسان، همانندی و برابری انسان‌ها، خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان خواهی، اصالت ارزش‌های معنوی، حریت، تربیت‌پذیری آدمی و... فضایل اخلاقی و معارف والا می‌باشند که در اصول سیاست‌های فرهنگی کشور و نیز قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بدان‌ها اشارت رفته است که در این متن از آن‌ها به مبانی یاد می‌کنیم.

1-1 پیام

تلاش بر آن است تا از درونمایه‌ها و مضامین عمومی تولیدات سینمای ایران که به دست توانا و گوهر خلاقیت سینماگر ایران خلق می‌شوند آثار و نتایج زیر حاصل گردد:

- دین‌خواهی؛ - اخلاق‌گرایی؛ - آگاهی بخشی؛ - امید آفرینی

1-2 اولویت‌های موضوعی

اولویت‌های موضوعی در تولیدات فرهنگی و هنری جامعه‌ای نسبت مستقیم با باورها، آرمان‌ها و اعتقادات آن دارد. در متن سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران، تاکید بر موضوعات زیر روشنگر راه آفرینش‌گران در عرصه هنر به ویژه سینما است.

- مفاهیم دینی و قرآنی؛ - عترت و اهل بیت؛ - مهدویت؛ - تحکیم خانواده؛ - کودک و نوجوان؛ - فرهنگ و تمدن ایران اسلامی- (حوزه بزرگ جغرافیایی و تاریخی ایران فرهنگی)؛ - انقلاب اسلامی؛ - تاریخ اسلام و تاریخ معاصر؛ - جنگ نرم؛ - رویارویی استکبار با ایران و مقاومت اسلامی؛ - دفاع مقدس؛ - موضوعات سیاسی- (داخلی و خارجی)؛ - مفاخر و مشاهیر؛ - دستاوردهای علمی و فناوری؛

1-3 اصول نظری هنر دینی.

به منظور تبیین اصول و چارچوب‌های نظری و تئوریک هنر دینی با تاکید بر سینمای مبتنی بر آموزه‌های دینی و وحیانی کرسی‌های آزاداندیشی و مجامع علمی برگزار خواهد شد.

... 2-5 مشارکت فکری با نخبگان

حرکت به سمت سینمایی که در بالاترین میزان مشارکت فکری و مشورتی با بخش‌های فکری و نخبه و مردمی جامعه به سر می‌برد، یکی از اهداف مورد نظر در این دوره می‌باشد. افزایش هر چه بیشتر و عمیق‌تر این سطح از مشارکت، در تحقق اهداف فرهنگی، اجتماعی، ملی و فرامرزی سینمای ایران نقش تعیین‌کننده خواهد داشت. این مشارکت در قالب مشاوره، همفکری، همکاری، شرکت در فرآیند تصمیم‌سازی مدیران و... با گروه‌های دانشگاهی، نهادهای مردمی، ارگان‌های دولتی و مراکز قانونی، روحانیت، حوزه‌های علمیه، متفکران اجتماعی و... صورت می‌پذیرد.

... 3-7 تولیدات مشترک

صدور فرهنگ انقلاب، اسلام و ایران و تحکیم مودت بین دولت‌ها و ملت‌های دوست، حول میراث و علائق مشترک، مستلزم بسط روابط سینمایی و از جمله انجام تولیدات مشترک است.

اولویت تولید مشترک با مناطق زیر می‌باشد:

- منطقه اکو و حوزه فرهنگی نوروز؛ - جهان اسلام؛ - قاره آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و جنوبی؛ - دیگر کشورهای جهان؛ چگونگی این‌گونه تولیدات در

مطمئناً آینده‌ای سرشار از اشتباه و انفجار و انهدام است.»

کتاب «براندازی به قلم استیفن کینزر که ترجمه آن به صورت فشرده و قطع بزرگ در سال 2009 در یک جلد منتشر شده، واقعیت‌های مرحله تجاوز نظامی، عملیات پنهانی، و بازهم عملیات علنی و تجاوز نظامی ایالات متحده را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش‌های «دوران امپراتوری»، «عملیات پنهانی» و «تجاوز نظامی و اشغالگری»، کتاب با تحقیقی جامع جنایات ایالات متحده را از 1893 در حوزه دریای کارائیب، دو سوی اقیانوس‌های آرام و آتلانتیک تا دورترین سرزمین‌ها زیر ذره بین می‌گذارد. مترجم در مقدمه خود می‌نویسد: «استیفن کینزر که تحقیقی تاریخی در باب توسعه طلبی‌ها، جاه طلبی‌ها، سلطه جونی‌ها، جنگ‌های کشور گشایانه و دخالت‌های اقتصادی و سیاسی ایالات متحده را از 1893، در قالب ساختار، شکل و بیانی جذاب تدوین کرده است، با انتخاب عنوان فرعی «قرن آمریکائی تغییر رژیم‌ها از هاوانی تا عراق»، مو به مو مراحل دخالت‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی ایالات متحده را در امور ملت‌های دیگر، به وجدان آگاه انسان گوشزد می‌کند. بدون این وجدان آگاه، انسان ستمدیده امروز که سهل است، اساساً نژاد انسانی و مجموعه جهان رو به انهدام خواهد رفت.»

هفدمین دفتر شعر فریدون گیلانی در تبعید آماده چاپ است و ترجمه کامل کتاب «اصول مقدماتی فلسفه» اثر ژرژ پولیتزر نیز در شرف پایان.



فریدون گیلانی

پنجمین مجموعه شعر در تبعید

عطر خنده‌های تو / در شمال و جنوب دلتنگی / و تاریخ شمار ذهن شب، که در آن‌ها زبان و بیان تصویری خاصی را در معماری جدید کلمات شاعر پیدا می‌کنید.

فریدون با عطف به نظریه «ژاک پره و» که: شعر خود نوعی انقلاب است، زیرا مدام با خدایان فلج کننده می‌ستیزد، در بیان تصویری و زبان خاصی که آفریده، مضامین عشق و طبیعت را چنان با مضامین اجتماعی پیوند می‌دهد که خواننده-اش از طریق ظرافت‌های تصویر و خیال پردازی‌های تصویری، به بیان دردهای روزگار خود می‌رسد.

کتاب بازی شیطان به قلم رابرت دریفوس و با ترجمه رسای فریدون که چاپ اول آن در سال 2007 در دو جلد منتشر شده است، با کاری تحقیقی در مورد ریشه‌های اسلام سیاسی، سرچشمه‌ها و جریان این عارضه را روشن می‌کند و پرده از این واقعیت بر می‌دارد که «میان ساخت و پاخت‌ها و تبنای‌های تاریخ محرمانه ایالات متحده با تندروی‌های اسلامی، ملاقات مخفیانه آیزنهاور با رهبر اخوان المسلمین در سال 1953، اتحاد مخفیانه بعدی ایالات متحده با این گروه و پشتیبانان سعودی آنان علیه جمال عبدالناصر رئیس جمهوری مصر، نقش حساسی در این معماری داشته است.»

و واقعیت‌هایی از این دست را می‌شکافد که چگونه «سازمان جاسوسی ایالات متحده (سی آی ا) برای بازگرداندن شاه به ایران از طریق کودتای نظامی (1953 - 1332)، آیت الله‌های ایران را می‌خرد، به عربستان سعودی برای ایجاد بلوک جهانی اسلامی علیه جنبش‌های ملی عربی کمک می‌کند، و رابطه‌های گسترده و پویا میان بنیادگرایان اسلامی و بانک‌های بزرگ غرب به وجود می‌آورد.»

بازی شیطان «با مطالعه‌ای وسیع روی اسناد، و مصاحبه با معماران سیاسی، کارگزاران سی آی ا، ماموران دفاعی و مقام‌های سیاست خارجی»، این واقعیت را مورد بحث قرار می‌دهد که «وحدت تاریخی آمریکا با طیف راست اسلامی، مسبب اصلی ظهور تروریسم در دهه نود است.»

و به خلاف ادعاهای ایالات متحده، نتیجه می‌گیرد که «آن چه در منظر است، دموکراسی و امنیت مورد ادعا نیست، بلکه

یکی از اهداف نشریه کانون، معرفی اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید و همچنین اعضای انجمن قلم ایران در تبعید و آثار آن‌هاست.



فریدون گیلانی

حاصل بیست و چهار سال کار در تبعید

به موازات عبور از متن مبارزه‌ای پیگیر علیه ستمکاران حاکم بر ایران که با تلاطم‌های طاقت فرسائی همراه بوده، حاصل بیست و چهار سال کار فریدون گیلانی در تبعید، شانزده دفتر شعر، کتاب‌های «شبیخون ناتارها»، «خاطرات نخستین موج سرکش اعتراضی در سال‌های 58 و 59 و 60»، «قبیله آتش در تله گرگ»، «خاطرات زندان»، «تناقض دموکراسی و جمهوری اسلامی»، «پنج مقاله»، ترجمه‌های: «سوسیالیسم و انسان»، «نوشته ارنستو چه گوارا و فیدل کاسترو»، «بازی شیطان»، «اسلامیسم و پروژه امپراتوری آمریکا»، «براندازی»، «قرن آمریکائی تغییر رژیم‌ها از هاوانی تا عراق» و صدها مقاله تحلیلی بوده است.

شعرهای فریدون گیلانی که در تبعید منتشر شده‌اند عبارتند از: **کلمات گم‌شده / شعر تبعید / روزهای علف / از خیابان سپیدار نقره‌ای برگرد / آوازهای پناهنده / این ابر، این زمین / این هزاره سوم / وسعت ساده / به لطف آفتاب / پله‌های مهتاب / ساقه‌های تو / آفتاب جنگل خیز / سرزمین و لبخند /**